ای اهل عالم طلوع شمس حقيقت محض نورانيّت عالم است و…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## جلد اول

ای اهل عالم طلوع شمس حقيقت محض نورانيّت عالم است و ظهور رحمانيّت در انجمن بنی آدم نتيجه و ثمر مشکورو سنوحات مقدّسه هر فيض موفور رحمت صرف است و موهبت بحت و نورانيّت جهان و جهانيان ائتلاف و التيام است و محبّت و ارتباط بلکه رحمانيّت و يگانگی و ازاله بيگانگی و وحدت با جميع من علی الأرض در نهايت آزادگی و فرزانگی.

جمال مبارک ميفرمايد همه بار يکداريد و برگ يکشاخسار عالم وجود را بيک شجر و جميع نفوس بمنزله اوراق و ازهار و اثمار تشبيه فرمودند لهذا بايد جميع شاخه و برگ و شکوفه و ثمر در نهايت طراوت باشند و حصول اين لطافت و حلاوت منوط بارتباط و الفت است.

پس بايد يکديگر را در نهايت قوّت نگهداری نمايند و حيات جاودانی طلبند پس احبّای الهی بايد در عالم وجود رحمت ربّ ودود گردند و موهبت مليک غيب و شهود نظر را پاک نمايند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر شجر ايجاد مشاهده کنند هميشه باين فکر باشند که خيری بنفسی رسانند و محبّت و رعايتی و مودّت و اعانتی بنفسی نمايند دشمنی نبينند و بدخواهی نشمرند جميع من علی الارض را دوست انگارند و اغيار را يار دانند و بيگانه را آشنا شمرند و بقيدی مقيّد نباشند بلکه از هر بندی آزاد گردند.

اليوم مقرّب درگاه کبريا نفسی است که جام وفا بخشد و اعدا را درّ عطا مبذول دارد حتّی ستمگر بيچاره را دستگير شود و هر خصم لدود را يار ودود اينست وصايای جمال مبارک اينست نصايح اسم اعظم \*

ای ياران عزيز جهان در جنگ و جدالست و نوع انسان در نهايت خصومت و وبال ظلمت جفا احاطه نموده و نورانيت وفا پنهان گشته جميع ملل و اقوام عالم چنگ تيز نموده و با يکديگر جنگ و ستيز مينمايند بنيان بشر است که زير و زبر است هزاران خانمانست که بيسر و سامانست در هر سالی هزاران هزار نفوس در ميدان حرب و جدال آغشته بخاک و خونست و خيمه سعادت و حيات منکوس و سرنگون سروران سرداری نمايند و بخونريزی افتخار کنند و بفتنه انگيزی مباهات نمايند يکی گويد که من شمشير بر رقاب امتی آختم و ديگری گويد مملکتی با خاک يکسان ساختم و يکی گويد من بنياد دولتی برانداختم اينست مدار فخر و مباهات بين نوع بشر در جميع جهات دوستی و راستی مذموم و آشتی و حق پرستی مقدوح.

منادی صلح و صلاح و محبّت و سلام آيين جمال مبارکست که در قطب امکان خيمه زده و اقوام را دعوت مينمايد پس ای ياران الهی قدر اين آئين نازنين بدانيد و بموجب آن حرکت و سلوک فرمائيد و سبيل مستقيم و منهج قويم پيمائيد و بخلق بنمائيد آهنگ ملکوت بلند کنيد و تعاليم و وصايای ربّ ودود منتشر نمائيد تا جهان جهان ديگر شود و عالم ظلمانی منوّر گردد و جسد مرده خلق حيات تازه جويد هر نفسی بنفس رحمانی حيات ابديّه طلبد.

اين زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و اين عزّت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقريب زائل و فانی شود خلق را بخدا بخوانيد و نفوس را بروش و سلوک ملأ اعلی دعوت کنيد يتيمان را پدر مهربان گرديد و بيچارگانرا ملجأ و پناه شويد فقيرانرا کنز غنا گرديد و مريضانرا درمان و شفا معين هر مظلومی باشيد و مجير هر محروم در فکر آن باشيد که خدمت بهر نفسی از نوع بشر نمائيد و باعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهميّت ندهيد و اعتنا نکنيد بالعکس معامله نمائيد و بحقيقت مهربان باشيد نه بظاهر و صورت هر نفسی از احبّای الهی بايد فکر را در اين حصر نمايد که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار بهر نفسی برسد خيری بنمايد و نفعی برساند و سبب تحسين اخلاق گردد و تعديل افکار تا نور هدايت تابد و موهبت حضرت رحمانی احاطه نمايد.

محبّت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نمايد.

ای احبّای الهی همّتی بنمائيد که اين ظلمت بکلّی زائل گردد تا سرّ پنهان آشکار شود و حقائق اشياء مشهود و عيان گردد \*